

هیئت مدیره‌ی
موقت
شرکت ملی
نفت ایران
وقانون خلع ید،
به روایت اسناد



محمود طاهر احمدی

موسسه مطالعات فرهنگی
و اجتماعی

در نهم اردیبهشت ۱۳۳۰، قانون اجرای ملی شدن صنعت نفت، به تصویب مجلس شورای ملی و مجلس سنارسید و پس از توشیح شاه، در دهم اردیبهشت به صورت قانون لازم الاجرا درآمد. (۱) اجرای این قانون - که به قانون خلع ید نیز معروف گردید - به عهده‌ی دولت دکتر محمد مصدق گذاشته شد. مصدق، برنامه‌ی دولت خود را در یازدهم اردیبهشت به مجلس شورای ملی ارائه کرد و نمایندگان آن دوره از مجلس (دوره‌ی شانزدهم) نیز در یازدهم همان ماه، با ۹۹ رأی از ۱۰۲ نفر عده‌ی حاضر، به دولت وی رأی اعتماد دادند. برنامه‌ی دولت، فقط دو ماده داشت و عبارت بود از:

۱- اجرای قانون ملی شدن صنعت نفت در سراسر کشور، بر طبق قانون طرز اجرای اصل ملی شدن صنعت نفت در سراسر کشور، مورخه‌ی نهم اردیبهشت ماه ۱۳۳۰ و تخصیص عواید حاصله از آن، به تقویت بنیه‌ی اقتصادی کشور و ایجاد موجدات رفاه و آسایش عمومی.

۲- اصلاح قانون انتخابات مجلس شورای ملی و شهرداریها، پس از بیان این دو ماده، دکتر مصدق تصریح کرده بود:

«البته نظریات اصلاحی دولت، منحصر به این دو ماده نیست و عجالتاً از ذکر جزئیات صرف نظر و در موقع خود لوایح ضروری را برای اصلاحات لازم تقدیم خواهد نمود و بسیار ممنون و خوشوقت خواهد شد که نمایندگان محترم مجلس شورای ملی و سنا، راهنمایها و هدایهای لازم [را] به دولت برای اصلاحات بفرمایند. اساس سیاست خارجی دولت هم، مبتنی بر منشور ملل متحد و تقویت این سازمان بین المللی و دوستی با کلیه‌ی دول و احترام متقابل نسبت به همه‌ی ملل می‌باشد.» (۲)

در ماده‌ی اول قانون نه ماده‌ی اجرای ملی شدن صنعت نفت، تشکیل هیئت مختلطی در نظر گرفته شده بود «مرکب از پنج نفر از نمایندگان مجلس سنا و پنج نفر از نمایندگان مجلس شورای ملی به انتخاب هریک از مجلسین و وزیر دارایی یا قائم مقام او» که تمام کارهای مربوط به خلع ید از شرکت سابق نفت انگلیس و ایران را پیگیری کرده و اداره‌ی شرکت ملی نفت ایران را به عهده بگیرد. (۳) بدین قرار در بیست و دوم اردیبهشت، مجلس سنا و مجلس شورای ملی، نمایندگان خود را برای تشکیل هیئت مختلط به شرح زیر انتخاب کردند؛ از مجلس سنا: مرتضی قلی بیات، دکتر احمد متین دفتری، محمد سروری، ابوالقاسم نجم و دکتر صادق شفق. از مجلس شورای ملی: دکتر عبدالله معظمی، دکتر علی شایگان، اللهیار صالح، حسین مکی و ناصر قلی اردلان. نماینده‌ی دولت نیز در هیئت مختلط، مهندس کاظم حبیبی، کارشناس نفت و قائم مقام محمد علی وارسته، وزیر دارایی بود. (۴)

در یازدهم خرداد به پیشنهاد دولت و تصویب هیئت مختلط، یک گروه سه نفره به عنوان هیئت مدیره‌ی موقت شرکت نفت متشکل از دکتر محمود حسینی، رئیس دانشکده‌ی علوم؛ دکتر محمدحسین علی آبادی، استاد دانشکده‌ی علوم و مهندس محمد بیات، استاد دانشکده‌ی کشاورزی برگزیده و آماده‌ی رفتن به خوزستان شد. دکتر شمس الدین امیر علایی، وزیر اقتصاد ملی نیز با حفظ سمت به عنوان مأمور فوق العاده‌ی دولت، برای نظارت بر امور استان خوزستان و اجرای قانون خلع ید، انتخاب و با هیئت مدیره همراه گردید. افزون بر این افراد، چند تن از کارمندان عالیرتبه‌ی وزارت دارایی و بانک ملی، برای انجام امور اداری و مالی، هیئت را همراهی می‌کردند. همچنین آقایان خردجو و سمیعی،

حسابداران قسم خورده (۵) و مهندس همایون نفر و دکتر ظاهر ضیایی، با هیئت همراه بودند. پس از تعیین هیئت مدیره، دکتر حسینی جهت قبول مسئولیت، درخواست اختیارات ویژه‌ای برای خود کرد، ولی تقاضایش پذیرفته نشد و او نیز استعفا داد. از این رو به پیشنهاد مهندس حبیبی به جای وی، مهندس مهدی بازرگان، رئیس دانشکده‌ی فنی برگزیده شد و ریاست هیئت مدیره‌ی موقت به عهده‌ی او واگذار گردید. (۶) مهندس بازرگان، در خاطرات خود به علی که باعث شد وی را برای تصدی ریاست هیئت مدیره برگزیند، اشاراتی کرده (۷) و در نامه‌ای هم که در چهارم مهر ۱۳۳۰ به دکتر علی اکبر سیاسی، رئیس دانشگاه تهران نوشته، سبب طولانی شدن همکاری خود را با هیئت مدیره شرح داده است. اما افزون بر این مطالب، می‌توان از لایه‌ی جمله‌ها و عبارتهای رسمی همین نامه، به قانونگرایی و مسئولیت‌پذیری او پی برد و شوق و شورش را در خدمت به ایران و ایرانی دید. (۸) مهندس بازرگان، پس از دیدار با دکتر مصدق به دیگر اعضای هیئت مدیره پیوست و در هجدهم خرداد با آنان رهسپار خوزستان شد. (۹)

اعضای هیئت مدیره، موظف بودند مواد ششگانه‌ای را که نخست وزیر در نامه‌ی زیر برای آنها نوشته بود، به اجرا در آورند:

نخست وزیر، شماره‌ی ۹۱۷۴، مورخ [۱۳۳۰/۳/۱۶]

هیئت مدیره‌ی موقت شرکت ملی نفت ایران

بدین وسیله مواد ششگانه‌ی ذیل ابلاغ می‌گردد که از طرف آن هیئت، با نظارت نمایندگان هیئت مختلط به موقع اجرا گذاشته شود:

۱- برای اجرای ماده‌ی ۲ قانون اجرای ملی شدن صنعت نفت و اداره‌ی موقت شرکت ملی نفت ایران، هیئتی مرکب از سه نفر به عنوان هیئت مدیره‌ی موقت از طرف دولت انتخاب می‌شوند که با نظارت هیئت مختلط، انجام وظیفه نمایند.

۲- هیئت مزبور، دارای کلیه‌ی اختیارات لازم برای اداره‌ی امور شرکت اعم از اکتشاف و استخراج و تصفیه و توزیع و فروش و بهره‌برداری خواهد بود. ۳- مادام که اساسنامه‌ی شرکت ملی نفت ایران به تصویب نرسیده است، ملاک عمل هیئت مدیره‌ی موقت، مقررات شرکت سابق نفت - جز آنچه که با قانون ملی شدن نفت مغایرت داشته باشد - می‌باشد.

۴- کارشناسان و کارمندان و کارگران ایرانی و خارجه‌ی شرکت سابق نفت، کماکان به خدمت خود باقی و از این تاریخ، مستخدم شرکت ملی نفت ایران شناخته می‌شوند.

۵- هیئت مدیره‌ی موقت، باید نهایت دقت و سعی را در اجرای برنامه‌های موجود و افزایش محصولات نفتی به عمل آورد؛ به طوری که میزان استخراج و بهره‌برداری از میزان فعلی بیش تر شود.

۶- برای اینکه نرخ عادلانه‌ی بین المللی تعیین و ضمناً در امصادرات نفت وقفه و مضیقه‌ای حاصل نشود، هیئت مدیره‌ی موقت، مکلف است به محض ورود به خوزستان، اعلانی در ایران و خارجه منتشر نماید؛ بدین مضمون که در ظرف مدت یک ماه طبق برنامه‌ی موجود شرکت سابق نفت، در مقابل اخذ رسید به خریداران سابق، مواد نفتی داده خواهد شد. خریداران، در این مدت مکلفند به دفتر هیئت مدیره‌ی موقت مراجعه نموده، ترتیب پرداخت قیمت مواد نفتی را - که در مدت مذکوره برده‌اند - بدهند و همچنین برای احراز حقوق مذکوره در ماده‌ی هفت قانون نهم اردیبهشت ۱۳۳۰ و ترتیب خرید و فروش نفت در آتیه، موافقت هیئت مدیره را جلب نمایند.

هیئت مدیره‌ی موقت، اصول توافق با خریداران را برای تصویب به هیئت مختلط پیشنهاد خواهد نمود.

نخست وزیر - دکتر محمد مصدق [امضا] (۱۰)

در نوزدهم خرداد، اعضای هیئت مدیره‌ی موقت و سه تن از اعضای هیئت مختلط نفت، یعنی احمد متین‌دفتری، حسین مکی و ناصر قلی اردلان - که برای همکاری و نظارت بر کار هیئت مدیره‌ی موقت انتخاب شده بودند - (۱۱) به همراه دکتر امیر علایی، در ساعت ۷ بعد از ظهر «با استقبال بی نظیر و ابراز احساسات فوق العاده‌ی اهالی، وارد آبادان شده و مراسم نصب تابلوی هیئت مختلط نفت و افراشتن پرچم ایران را در مرکز اداره‌ی رئیس سابق شرکت نفت» به انجام رساندند. (۱۲) پس از این کار، نوبت به گفتگو با اریک دریک (Eric Drake)، رئیس شرکت نفت و مدیر کل عملیات نفتی در ایران و عراق (۱۹۵۱-۱۹۵۰) فرارسید. بدین منظور در بیستم خرداد نخستین جلسه‌ی گفتگو میان اعضای هیئت مدیره و دکتر امیر علایی با دریک و دو تن از دستیارانش در خرمشهر برپا شد که گزارش آن را، امیر علایی بدین شرح برای نخست وزیر فرستاد:

[گزارش امیر علایی] (۱۳)

«صبح روز دوشنبه بیستم خرداد ۱۳۳۰، جلسه‌ی مشترک هیئت نظارت و هیئت مدیره‌ی موقت، مأمور اجرای قانون ملی شدن صنعت نفت با حضور این جانب [شمس‌الدین امیر علایی] تشکیل و به اتفاق آراء قرار شد اینجانب به اتفاق هیئت مدیره‌ی موقت از آبادان به خرمشهر رفته و ضمن رد بازدیدی که قبلاً در اهواز آقای دریک، رئیس شرکت سابق نفت نموده بود، هیئت مدیره‌ی موقت را هم به مشارالیه معرفی نمایم و ترتیب استقرار آنها را در یک دفتری در مرکز کار شرکت بدهم. به وسیله‌ی تلفن با آقای دریک مذاکره و قرار ملاقات و معرفی برای ساعت ۹:۵۵ داده شد و از طرف شرکت، دو نفر انگلیسی و همچنین بزرگمهر - که سمت مترجمی داشت - حضور داشته، آقایان دکتر علی آبادی، مهندس بیات و بازرگان، به عنوان اعضای هیئت مدیره‌ی موقت به آقای دریک معرفی شدند و توضیح دادم که برای رد بازدید مشارالیه و معرفی هیئت و آشنایی به اینجا آمده‌ام. آقای دریک، اظهار خوشحالی نمودند و پرسیدند: وظایف این هیئت چیست؟ جواب دادم: اجرای قانون ملی شدن نفت؛ و اضافه نمودم که البته جزئیات انجام وظایف در هر مورد، به اطلاع ایشان خواهد رسید. آنچه مسلم است، هیئت مدیره‌ی موقت وظیفه دارد اساساً در مقررات شرکت سابق نفت و کارمندان آن تغییری ندهد و مقدم بر هر چیزی، مکلف است در بهره‌برداری و توزیع و فروش، نظارت کامل نماید. آقای دریک، اندکی فکر کرده با تشکر از اینکه قصد ندارند تغییری در مقررات و افراد بدهند، گفتند: من چون مأمور و نماینده‌ی شرکت هستم، چنین اجازه‌ای به ما داده نشده است. فقط می‌توانم آقایان را به عنوان نمایندگان رسمی دولت ایران بشناسم و در حدود قرارداد ۱۹۳۳ و همچنین در حدود قانون ملی شدن نفت، تا آنجا که منافات با قرارداد ۱۹۳۳ نداشته باشد، همه گونه تشریک مساعی نمایم. البته خارج از حدود قرارداد، محتاج به مراجعه و کسب دستور از مقامات [هیئت] مدیره‌ی شرکت می‌باشد. اینجانب از ادامه‌ی بحث در این زمینه خودداری کردم و گفتم: فعلاً درخواست من برای تعیین محل برای کار هیئت مجریه است که جواب آن داده نشد. راجع به نکته‌ای که اشاره نمودید جواب آن را [در آینده] خواهم داد. آقای دریک گفتند: در همین عمارت که مرکز کار شرکت است، محل مخصوصی از سابق برای رئیس نظارت دولت وجود دارد - که دفتر آقای

تقوی بوده - در اختیار آقایان می‌گذارم. اگر محل کافی نبود اتاقهای دیگر هم اضافه می‌کنیم. آقایان کار خود را انجام دهند تا بعد نحوه‌ی عمل معلوم گردد. با این پیشنهاد و تعیین محل موافقت نمود. آقای دریک، محرمانه خواهش کردند آقایان، لطفاً توجه به موقعیت مخصوص و محذورات مخصوص ایشان - که صرفاً نماینده و مأمور شرکت هستند - داشته باشند. ایشان را از اینکه نمی‌توانند خارج از وظایف و دستورات مربوطه عملی انجام دهند، معذور بدانند. بنابر گفته‌ی آقای دکتر علی آبادی، به آقای دریک گفته شد: می‌تواند این ملاقات را به مرکز لندن اطلاع و گزارش دهند که ما به قصد اجرای ملی شدن قانون نفت آمده‌ایم.

آقای دریک، توضیح داده اند که چون قسمت عمده‌ی هیئت مدیره‌ی شرکت در راهد، اشکال ندارد آقایان چند روز تأمل بفرمایند تا آنها مطلع شده، تصمیم لازم بگیرند.

در این موقع آقای دریک اضافه نمود که: پنجشنبه‌ی گذشته در ملاقات با آقای سفیر کبیر انگلیس، نگرانی خود را از اینکه در نتیجه‌ی عدم همکاری بعضی مأمورین ایرانی اوضاع رو به وخامت می‌رفته است، اطلاع داده و گوشزد کرده اینک مخصوصاً بعضی انتشارات غیر صحیح رادیو تهران، باعث تشدید اوضاع ممکن است بشود، این تذکرات را جناب سفیر کبیر به جناب دکتر مصدق اطلاع داده اند و خوشبختانه مؤثر واقع شده، فعلاً وضع امنیت رضایتبخش است. ولی در اثر خونریزی و اعتصاب سابق - چون آثار عصبانیت باقی می‌باشد - ممکن است سخنرانیهای بعدی، تحریکات و اشکالاتی فراهم نماید. اینجانب توضیح دادم: حفظ آرامش خوزستان، وظیفه‌ی شخص من است. همان طوری که در استانداری تذکر داده‌ام، باز تکرار می‌کنم که امنیت کامل وجود دارد و دولت، مسلط بر اوضاع است. شما هم خوشبختانه تصدیق کردید [که] امیحاات سابق رادیو، عکس العمل فحری تذکاره‌ی ما و یادداشتهای شماس که افکار عمومی را منقلب نموده بود. فعلاً ورود مجدد در آن مطلب - که خوشبختانه بدون آثار وخیم پایان یافته - موردی ندارد. اما نقطه‌های دیشب آقایان هیئت نظارت و هیئت مدیره و اینجانب، به طوری که ملاحظه گردید در تمام آنها تأکید به حفظ آرامش و نظم بود و جمعیت هم اطاعت خود را دانماآبراز می‌کردند. فعلاً مردم، انتظار اقدامات ما را دارند و باید انتظارات آنها را بر آورد و ضمناً مواظب نظم بود. آقای دریک، خوشحالی و امتنان خود را از آرامش اوضاع و از نقطه‌های دیشب اظهار نمود و گفت: تشکر خود را به لندن و تهران مخابره کرده‌ام. و اینک امیدوارم آقایان هیئت مدیره، اجازه دهند از حضورشان خواهش کنم از نزدیک بازدید مفصلی از عملیات اداری و فنی شرکت بنمایند تا به وسعت و دقت کار نفت - که کار بس خطرناکی است و در درجات شدید حرارت و فشار زیاد و نهایت دقت صورت می‌گیرد - واقف شوند و ضمناً متوجه نکات و مشکلات حفظ روابط کارگر و کارفرما در منطقه‌ی خوزستان بشوند. امیدوار است از این اطلاعات، استفاده‌ی شایان در همکاری آتی بشود. آقای دریک، اجازه خواستند رئیس امور اداری و رئیس امور تجاری شرکت را معرفی کنند و یکی از همکاران انگلیسی خود را به عنوان مترجم و رابط در اختیار هیئت مدیره گذارند [و] او عده دادند، آقایان رئیس فنی پالایشگاه و رئیس فنی حوزه‌ی چاهها را نیز به زودی معرفی نمایند.

آقای دریک، سؤال کرد: اگر مخبرین خبر گزارها مراجعه کردند، چه جواب بدهم؟ گفتم: بهتر است فقط بگویید معرفی هیئت به عمل آمد و دفتری در اختیار آنها گذاردم. صلاح شرکت سابق نیز در این است از سایر مطالب چیزی گفته



نشود.

آقای دریک، قبول کردند. مذاکرات در ساعت ده پایان یافت.

مهندس بازرگان نیز، متن نخستین دور مذاکرات هیئت مدیره را با دریک و دستیارانش به طور خلاصه بازگو کرده، ولی گفته است: «از طرف ایران هر شش نفر هیئت خلع ید و آقای امیر علایی... در جلسه‌ی اول حضور داشتیم. براساس سابقه‌ی اداری و از جنبه‌ی حقوقی مذاکرات، طرف اصلی صحبت، سناتور دکتر متین دفتری بود.» (۱۴) با وجود این به نظر می‌رسد شادروان مهندس بازرگان در هنگام بازگویی خاطرات خود، به سبب گذشت بیش از چهل سال از ماجرا و کهنوت سن، دچار اشتباه شده و نخستین جلسه‌ی گفتگو در بیستم خرداد را با جلسه‌ی دوم آن در بیست و یکم خرداد خلط کرده است. زیرا نه تنها در گزارش امیر علایی سخنی از حضور اعضای هیئت مختلط و سناتور متین دفتری به میان نیامده، بلکه در چاپ «بخشی از مذاکرات هیئت ایرانی در جلسه‌ی دوم (بیست و یکم خرداد ۱۳۳۰) با مستر دریک به نقل از صورت جلسه‌ی مذاکرات به خط آقای مهندس بازرگان»، آمده است که دریک به سناتور متین

دفتری گفت: «خیلی مایلیم تا حدودی که اطلاع داشته باشیم، به جنابعالی کمک و راهنمایی نمایم. ولی چون در جلسه‌ی دیروز - که با حضور آقای امیر علایی بوده - تشریف نداشتید، توجه به محدود و اشکال من نفرمودید.» (۱۵)

باری، پس از پایان گفتگوهای دور اول، پرچم ایران بر فراز ساختمان مرکزی شرکت نفت در خرمشهر به اهتزاز درآمد که چگونگی آن را، امیر علایی در پایان همان گزارش، این چنین شرح داده است:

«پس از توقف مختصر در دفتر کار جدید هیئت مدیره، به اتفاق به عمارت شهرداری رفتیم تا به هیئت نظارت، جریان را گزارش دهیم. مذاکرات، مورد تأیید قرار گرفت و مقرر شد جریان را به عرض نخست وزیر برسانم. در جلسه‌ی مشترک مطالب دیگری نیز مورد بحث قرار گرفت که شرح آن جداگانه به عرض خواهد رسید. پس از جلسه‌ی مشاوره، اولین تصمیم کمیسیون راجع به نصب تابلوی هیئت مدیره‌ی موقت و پرچم ایران در عمارت مرکزی شرکت در خرمشهر، با تشریفات طبیعی شورانگیزی - که توأم با احساسات اهالی بود - انجام یافت و اینجانب نطقی ایراد کردم. پس از آن - در حالتی که سرود ملی ایران

توسط گارد دریایی نواخته شد - پرده از تابلو برداشته شد و پرچم ایران بر فراز محل کار شرکت سابق نفت افزاشته شد و احساسات شدید مردم، به این تشریفات خاتمه داد. گاو و گوسفند هم قربانی شد.»

در پی دومین جلسه ی گفتگوی اعضای هیئت خلع ید با دریک در بیست و یکم خرداد، هیئت مدیره ی موقت در بیست و دوم خرداد، نامه ی زیر را به دریک نوشت و او را به همکاری با هیئت مدیره فراخواند.

«وزارت دارایی، رونوشت نامه ی شماره ی ۴، مورخ ۱۳۳۰/۳/۲۲، شرکت ملی نفت ایران

آقای دریک ادر تعقیب مذاکرات حضوری صبح روز سه شنبه ۲۱ خرداد ماه لزوماً به اطلاع می رسانیم:

مطابق ماده ی ۴ قانون طرز اجرای اصل ملی شدن صنعت نفت، چون از تاریخ ۲۹ اسفند - ۱۳۲۹ که ملی شدن صنعت نفت به تصویب مجلس سنا نیز رسیده است - کلیه ی درآمد نفت و محصولات نفتی، حق مسلم ملت ایران است؛ دولت مکلف است با نظارت هیئت مختلط، به حساب شرکت رسیدگی کند و نیز هیئت مختلط، باید از تاریخ اجرای این قانون تا تعیین هیئت عامله، در امور بهره برداری دقیقاً نظارت نماید. بنابراین لازم است دستور دهید:

اولاً حساب کلیه ی درآمد نفت و محصولات نفتی را از تاریخ ۲۹ اسفند ۱۳۲۹ تا تاریخ آگهی مذکور در جزو دوم این تذکاریه، فوراً به نظر هیئت مدیره ی موقت برسانند و وجوه حاصله از فروش را، اعم از فروش در داخله و خارجه، پس از وضع مخارج در اختیار هیئت بگذارند.

ثانیاً برای اینکه تا تعیین خریداران سابق مطابق ماده ی ۷ قانون و احراز هویت آنها وقفه در صدور مواد نفتی حاصل نشود، موافقت شده است که تا یک ماه از تاریخ آگهی - که از طرف هیئت مدیره ی موقت صادر می شود - طبق برنامه ی موجود در شرکت سابق، نفت در مقابل اخذ رسید به خریداران سابق داده شود؛ ولی خریداران مکلف خواهند بود در این مدت به هیئت مدیره ی موقت مراجعه نموده، ترتیب پرداخت قیمت مواد نفتی را - که در مدت مذکور برده اند - به نرخ عادلانه ی بین المللی بدهند. به این منظور، باید فوراً دفتری برای نظارت صادرات در آینده تشکیل و در هر صورت، وجوه حاصله از آن در اختیار هیئت مدیره ی موقت گذاشته شود. بدیهی است هیئت مدیره، موافقت دارد از کلیه ی وجوه حاصله تا ۲۵٪ در یک بانک مرضی الطرفین، برای ادعاهای احتمالی شرکت سابق ودیعه گذاشته شود.

ثالثاً چون هیئت مختلط منتخب از مجلسین باید در امور بهره برداری نظارت نماید، لازم است ترتیبی بدهید که این نظارت خود را عملی کنند.

هیئت مدیره ی موقت امور اجرای قانون ملی شدن صنعت (۱۶) (نفت)؛ از آن سو اعضای هیئت مدیره ی موقت «در خرمشهر با کمال جدیت با اولیای ساکن شرکت نفت مشغول مذاکره و تشکیل سازمان اداری» بودند و مردم نیز «با کمال بی صبری منتظر حصول نتیجه و حاضر برای هر نوع فداکاری» البته «نظم و آرامش کامل در شهر حکمفرما» بود و همه ی اهالی، صمیمانه با هیئت مدیره همکاری می کردند. (۱۷) در آبادان نیز در روز جمعه بیست و چهارم خرداد «بنا به دعوتی که از طرف کارمندان ایرانی شرکت سابق نفت در باشگاه ایران به عمل آمد، از طرف ... امیر علایی و ... دکتر متین دفتری، نطقهایی ایراد که از طرف متجاوز از پنج هزار نفر مدعوین با ابراز احساسات شدید «توأم گشت و تأیید گردید. (۱۸)

دریک - که طی دو جلسه دیدار و گفتگو با اعضای هیئت خلع ید به نتیجه ی

دلخواه نرسید و باید دید تظاهرات و استقبال مردم و نبودن قانون کاپیتولاسیون در ایران به هراس افتاد - برای کسب دستور و مشورت با مقامات شرکت نفت چند روز به لندن رفت و پس از بازگشت نرم تر شد و حتی اظهار تمایل کرد به هوایمهای اختصاصی شرکت، تأسیسات نفت خوزستان را به اعضای هیئت مدیره نشان دهد تا عظمت دستگاه را به رخ آنان کشد و آنها را در اداره ی آن تأسیسات بزرگ دچار تردید کند. (۱۹) با این همه، شرکت نفت انگلیس و ایران حاضر نبود تأسیسات نفت را به هیئت مدیره ی موقت تحویل دهد. اعضای هیئت خلع ید نیز، مصمم بودند قانون ملی شدن صنعت نفت را اجرا کنند. بدین منظور، بر آن شدند که با یک اقدام عملی دست شرکت سابق نفت را از منابع عظیم نفتی و تأسیسات و نهادهای مربوط به آن کوتاه کنند و بدین سان، وظیفه ی خود را به انجام رسانند. این تصمیم مهم، سرانجام در صبح روز بیست و نهم خرداد صورت تحقق به خود گرفت و طی مراسم ساده و در عین حال پر شور و افتخار آمیزی، مهندس بازرگان، پشت میز دریک قرار گرفت و بی درنگ پرچم ایران بر فراز ساختمان اداره ی مرکزی شرکت سابق نفت در خرمشهر برافراشته شد و تابلوی هیئت مدیره ی موقت به جای تابلوی ریاست شرکت نفت انگلیس، نصب گردید. (۲۰)

همان روز دکتر سید حسین فاطمی، معاون نخست وزیر، تلگراف زیر را - که دربرگیرنده ی خلاصه ی تصمیمات دولت و هیئت مختلط نفت در جلسه بیست و نهم خرداد بود - برای هیئت مدیره ی موقت شرکت ملی نفت ایران فرستاد:

«نخست وزیر، تلگراف به خرمشهر، هیئت مدیره ی موقت شرکت ملی نفت ایران

شماره ی ۲۹۴۰ - ۳۰/۳/۱۰۳۰

تلگراف به استانداران - استانداری

خلاصه ی تصمیمات دولت و هیئت مختلط در جلسه ی چهارشنبه ۲۹ خرداد ماه ۱۳۳۰، عیناً تلگراف می شود: دستور فرمایید مراتب را به آقایان فرمانداران نیز اطلاع دهند.

چون هیئت نمایندگی شرکت سابق نفت، با تقاضاهای هیئت نمایندگی ایران موافقت ننمود و پیشنهادهایی کرد که با قوانین مربوط به ملی شدن صنعت نفت مبیانت داشت، جلسه ی هیئت دولت از ساعت هشت صبح امروز با حضور آقایان اعضای کمیسیون مختلط، تشکیل و تصمیمات ذیل در تکمیل مقررات ششگانه ی سابق اتخاذ گردید:

۱- تصمیمات و دستورات هیئت مدیره یا مدیر عامل شرکت سابق نفت، از این به بعد قابل اجرا نیست؛ مگر اینکه آن تصمیمات و دستورات، به امضای هیئت مدیره ی موقت شرکت ملی نفت ایران نیز رسیده باشد.

۲- مأمورینی برای خلع ید در قسمت نفت شاه و تصفیه خانه ی غرب تعیین شدند.

۳- مأمورینی برای قسمتهای مختلف شرکت سابق در مرکز و فروشگاهها انتخاب شدند.

۴- دستور داده شد که اداره ی اطلاعات شرکت سابق نفت منحل شود.

۵- دستور داده شد که در همه جا، نام شرکت سابق به نام شرکت ملی نفت ایران تبدیل گردد.

۶- عواید فروش نفت، از این به بعد در همه جا باید فقط به شعبات بانک ملی ایران، به حساب شرکت ملی نفت ایران گذاشته شود و در صورت نبودن

نعمه‌ی بانک، به صندوق دارایی محل تحویل گردد.»
از طرف نخست وزیر - دکتر حسین فاطمی (۲۱)

به دنبال تلگراف مزبور، دکتر مصدق نیز طی تلگرافی به هیئت مدیره‌ی موقت، به آگاهی همگان رساند: «بر طبق ماده‌ی ۲ مقررات مصوب هیئت مختلط، هیئت مدیره‌ی شرکت ملی نفت ایران، کلیه‌ی اختیارات لازم برای اداره‌ی امور شرکت اعم از اکتشاف و استخراج و تصفیه و توزیع و فروش و بهره‌برداری خواهد بود و مؤسسات تابعه‌ی شرکت سابق، باید کلیه‌ی دستورات عملیاتی هیئت مدیره‌ی موقت را اجرا نمایند.» (۲۲) پس از این تلگراف، دکتر مصدق در نامه‌ای به رضا سردار فاخر حکمت، رئیس مجلس شورای ملی نوشت:

«ریاست محترم مجلس شورای ملی! در این موقع که به موجب قوانین مصوبه برای ملی کردن صنایع نفت، دولت اقدام به خلع ید شرکت سابق نفت جنوب کرده و وضع ید بر کلیه‌ی مؤسسات نفت نموده است، برای جلوگیری از پیشامدهای احتمالی و سد هر گونه ایجاد مانع و خلل در راه موفقیت دولت به حسن انجام کار، ماده‌ی واحده زیر را تقدیم مجلس شورای ملی می‌نمایم و تصویب آن را با قید دو فوریت تقاضا دارد:

ماده‌ی واحده

از تاریخ تصویب این قانون تا مدت یک سال، هر کس که در عمل بهره‌برداری صنایع نفت ملی ایران با قصد سو و خیانت عملیاتی نماید که منجر به قطع لوله‌های نفت و یا از کار افتادن کارخانه‌ها و ماشینهای تصفیه و یا وسایط نقلیه‌ی نفت و یا حریق در چاهها و مخازن نفت و یا تخریب خط یا تونل و پیل و یا وسایط نقلیه‌ی راه آهن بشود، محکوم به حبس موقت با ۲۴ اعمال شاقه یاعدام خواهد گردید. مجازات محرکین و معاونین جرم، مجازات محرم اصلی خواهد بود و به این جرایم در دادگاههای نظامی رسیدگی خواهد شد.

نخست وزیر - دکتر محمد مصدق

وزیر دادگستری - [علی‌آهیت]

در جلسه‌ی پنجشنبه ۳۰/۳/۳۰، از طرف آقای وزیر دادگستری تقدیم گردید و به واسطه‌ی کافی نبودن عده، تعیین تکلیف فوریت به بعد موکول گردید.» (۲۳)

همچنین، در همان روز هیئت مدیره‌ی موقت، به دستور دکتر مصدق نخستین اعلامیه‌ی خود را به شرح زیر منتشر کرد و وضع کارمندان و کارگران شرکت سابق را روشن نمود:

«به شکر پروردگار بزرگ، اینک که اجرای قانون ملی شدن صنعت نفت، وارد مرحله‌ی قطعی شده و دولت شاهنشاهی، با پشتیبانی ملت غیور ایران دستور داده است هیئت مدیره‌ی موقت با مشورت و نظارت هیئت محترم مختلط، کلیه‌ی امور اکتشاف و استخراج و بهره‌برداری و توزیع نفت را زیر نظر بگیرد، مراتب ذیل به کلیه‌ی کارمندان و کارگران شرکت سابق نفت و به اهالی عزیز خوزستان اعلام می‌شود:

۱- از کارمندان و کارگران انتظار دارد وعده‌های خدمتگزاری و فداکاری مکرر خود را عملاً به ثبوت رسانده، با منتهای کوشش و مراقبت و دلسوزی و انضباط، وظایف سابق خود و وظایفی را که احياناً در پستهای مجاور بلا تصدی مانده باشد، انجام دهند.

۲- کلیه‌ی کارمندان و کارگران شرکت سابق اعم از ایرانی و خارجیانی که صمیمانه حاضر باشند زیر نظر هیئت مدیره‌ی ایرانی وظایف خود را انجام دهند،



مستخدم دولت ایران و همکاران چند ما محسوب شده، می‌توانند مطمئن باشند که در صورت خدمت صادقانه، در حقوق و مزایا و حیثیات آنها، کوچک‌ترین خللی وارد نخواهد شد.

۳- کارمندان و کارگران خارجی - که در سر پستهای خود باقی بمانند و صادقانه خدمت نمایند - مورد احترام و محبت ایرانیان قرار خواهند گرفت و لازم است کارمندان و کارگران ایرانی، آنها را همکار صمیمی خود و مستخدم دولت ایران شناخته، از مهربانی و مهمان نوازی چیزی فروگذار نمایند.

۴- نسبت به کارمندان و کارگران خارجی - که مایل باشند ایران را ترک نمایند - هیچگونه اکراه و آزاری به عمل نیامده، با حسن مشایعت، وسایل عزیمت و تصفیه حسابشان به عمل خواهد آمد.

۵- کارمندان و کارگران ایرانی نیز، لازم است در این موقع که تحت لوای واحد و برای هدف ملی مشترکی خدمت می‌نمایند، سوابق سوء اعتماد و کدورت و تقار را بکلی کنار گذارده، قلم غفور گذشته بکشند و برای آینده‌ی درخشان میهن عزیز، دست برادری و صمیمیت به یکدیگر بدهند.

۶- نظر به اینکه حفظ نظم و آرامش در این موقع باریک، نهایت ضرورت را دارد، از کلیه‌ی اهالی محترم و کارمندان و کارگران عزیز، توقع داریم شخصاً در حفظ آرامش و نظم ساعی بوده، در موقع لزوم با مأمورین انتظامی صمیمانه همکاری نمایند.

۷- چنانچه احياناً افراد و اشخاصی بخواهند در این موقع حساس سوء

استفاده‌ای نمایند و انضباط و حسن جریان امور را مختل سازند، مواجه با عکس العمل شدید هیئت مدیره قرار خواهند گرفت و به مأمورین انتظامی، در این زمینه دستورات لازم داده شده است.»

هیئت مدیره‌ی موقت شرکت ملی نفت ایران (۲۵)
آبادان ۲۹ خرداد ماه ۱۳۳۰

یک روز پس از صدور اعلامیه‌ی مزبور، هیئت مدیره در پاسخ به پرسشهای اعضای رده بالای ایرانی شرکت نفت درباره‌ی چگونگی ادامه‌ی خدمتشان، به آگاهی آنان رساند که همگی می‌توانند همچنان به کار خود ادامه دهند و دستورهای مربوط به کار را از رؤسای انگلیسی دریافت کنند و اگر هیئت مدیره دستوراتی داشته باشد، از طریق مستر راس (Ross)، رئیس پالایشگاه آبادان و مستر کاکس (Cax)، رئیس مناطق نفتی اعلام خواهد کرد. در میان انگلیسیها، این دو نفر یعنی راس و کاکس با هیئت مدیره فعالانه همکاری می‌کردند و در برخورد با مسائل و تصمیم‌گیریهای فنی، با اعضای آن مشورت می‌نمودند. (۲۶)

در همان روز، یعنی سی ام خرداد، دکتر علی آبادی نیز به نمایندگی از سوی هیئت مدیره‌ی موقت شرکت ملی نفت ایران، در نامه‌ای به دریک، به آگاهی وی رساند که می‌تواند در شرکت ملی نفت ایران به خدمت خود ادامه دهد؛ به شرط آنکه تحت نظر هیئت مدیره‌ی موقت و طبق تصمیمات اخیر دولت و هیئت مختلط انجام وظیفه کند. اما چون پس از پنج روز پاسخی از دریک به هیئت مدیره نرسید، علی آبادی، در نامه‌ای دیگر به وی گوشزد کرد، چون برای هیئت مدیره، کار کردن با مدیر عاملی که خود را مسئول او نداند، امکان ندارد و ادامه‌ی این وضعیت موجب اختلال امور مؤسسات نفت خواهد شد، لذا برای آخرین دفعه به شما اخطار می‌شود، چنانچه تا روز پنجشنبه ششم تیر ماه جاری ... جواب مثبت ندهید و به هیئت مدیره تمکین ننمایید، هیئت شما را مستعفی شناخته، جانشین شما را معین خواهد کرد.» (۲۷)

اما نه تنها دریک به کار خود در شرکت نفت ادامه نداد، بلکه در پنجم تیر همه‌ی کارمندان انگلیسی ساکن در آبادان، استعفای دسته جمعی خود را به هیئت مدیره دادند (۲۸) و سرانجام در یکی از روزهای گرم تیر ماه، همه‌ی آنان

بجز راس و کاکس آبادان را ترک کردند و با کشتی به کشور خود بازگشتند و مراکز حساس شهر، مانند نیروگاهها، پستهای توزیع برق و آب و بیمارستانها را بدون اخطار قبلی رها کردند و آبادان را به صورت شهری آشفته در آوردند. (۲۹)

دیگر «کارمندان انگلیسی باقیمانده در مناطق نفتخیز [نیز] تا روز دوشنبه ۴ شهریور مناطق نامبرده را ترک نموده، پستها را بلاسرپرست و برای اشغال ایرانیها خالی گذاشتند؛ بی آنکه کوچک ترین مراسم تحویل و تحول» را به عمل آورند. (۳۰)

با این همه، به قول مهندس بازرگان: «به فضل خدا و همکاری ملت ایران، وقتی انگلیسیها رفتند، کار هیچ بخشی متوقف نشد و توزیع آب و برق و رساندن نفت و بنزین و گاز و نئیل به سراسر کشور ادامه یافت و برعکس آنچه دریک، هیئت مدیره را به آن تهدید می‌کرد، پالایشگاه آبادان به کار افتاد و دستگاههای تصفیه، راه اندازی شد (۳۱) و به طور کلی خروج انگلیسیها بدون هیچگونه حادثه و تغییری در وضع خواربار و برق و آب و حمل و نقل و دستمزد و غیره، صورت گرفت و پستهای اصلی به دست کارمندان ایرانی بلافصل سپرده شد.» (۳۲)

به این ترتیب، خلع ید از شرکت نفت انگلیس و ایران، با موفقیت به پایان رسید و کارشناسان و مهندسان و کارگران ایرانی، توانستند ماشین عظیم و سنگین صنعت نفت را به راه اندازند و بدون یاری انگلیسیها از آن بهره برداری کنند. گفتگو درباره‌ی آثار و نتایج خلع ید از شرکت استعماری نفت، مجال دیگری می‌خواهد. (۳۳) اهمیت و ارزش پیروزی ملت ایران در ملی کردن صنعت نفت و ماجرای خلع ید، به اندازه‌ای بود که به رغم تلاشهای فراوان دولت استعمارگر و شکست خورده‌ی بریتانیا، نه تنها ایران در دنیای آن روز متزوی و منقور نشد، بلکه توانست اعتبار و حیثیت زیادی به دست آورد؛ تا آنجا که دیوان بین‌المللی لاهه، به حقانیت ایران رأی داد و شورای امنیت سازمان ملل متحد، شکایت انگلستان را از دولت ایران وارد ندانست. دریغا که با کودتای بیست و هشتم مرداد ۱۳۳۲، انگلیسیها، به یاری و همراهی امریکاییها دوباره به ایران بازگشتند و قرارداد کنسرسیوم را به دولت برخاسته از کودتا تحمیل کردند. با وجود این، استعمارگران هرگز نتوانستند آثار نیک ملی شدن صنعت نفت را در ایران از بین ببرند و مانع از گسترش آن در میان ملت‌های استعمار زده شوند.

شؤبشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

«اسناد پیوست»

رتال جامع علوم انسانی

سند شماره‌ی ۱

هیئت مختلط (نظارت در اجرای ملی شدن صنعت نفت)، شماره ۱۲۱، ۳۰/۳/۳۱

جناب آقای نخست وزیر - محترمأ به استحضار خاطر شریف می‌رساند:

در جلسه هیئت مختلط، اشخاص زیر برای کمیسیونهای مختلف در نظر گرفته شده اند:

۱- برای کمیسیون قضایی

آقایان دکتر محمد حسین علی آبادی، دکتر یاد، دکتر حسینی، دکتر پورهمایون، دکتر شیدفر، دکتر قاسم زاده و یک نفر از قضات عالی مقام که از دیوان کشور بایستی تقاضا شود و همچنین یک نفر از کانون وکلای عدلیه.

۲- برای کمیسیون مشاوره فنی

آقایان مهندس صفی اصفیا، مهندس بیانی، مهندس مزدا، مهندس ترابی، مهندس خلیلی، مهندس بلالی، دکتر سجایی، مهندس سیف الله معظمی، مهندس احمد رضوی، مهندس حق شناس، دکتر فرشاد [و] مهندس طالقانی.

۳- برای کمیسیون حسابداری و امور مالی

آقایان نیساری معاون بانک ملی، آقای عرفانی، سجادی زاده و دو نفر دیگر با نظر وزارت دارایی، خواهشمند است دعوتنامه اشخاص نامبرده تهیه و به اعضای جنابعالی صادر شود که هر چه زودتر کمیسیونها تشکیل و مورد استفاده واقع گردد.

رئیس هیئت مختلط - اللهیار صالح [امضا] (۳۴)

سند شماره ۲

وزارت دارایی، رونوشت نامه شماره ۴ مورخ ۱۳۳۰/۳/۲۲ شرکت ملی نفت ایران

آقای دریک - در تعقیب مذاکرات حضوری صبح روز سه شنبه ۲۱ خرداد ماه، لزوماً به اطلاع شما می‌رسانیم: مطابق ماده ۴ قانون طرز اجرای اصل ملی شدن صنعت نفت، چون از تاریخ ۲۹ اسفند - ۱۳۲۹ که ملی شدن صنعت نفت به تصویب مجلس سنا نیز رسیده است - کلیه درآمد نفت و محصولات نفتی حق مسلم ملت ایران است، دولت مکلف است با نظارت هیئت مختلط، به حساب شرکت رسیدگی کند و نیز هیئت مختلط باید از تاریخ اجرای این قانون تا تعیین هیئت عامله، در امور بهره برداری دقیقاً نظارت نماید. بنابراین لازم است دستور دهید:

اولاً حساب کلیه درآمد نفت و محصولات نفتی را از تاریخ ۲۹ اسفند ۱۳۲۹ تا تاریخ آگهی مذکور در جزو دوم این تذکاریه، فوراً به نظر هیئت مدیره موقت برسانند و وجوه حاصله از فروش راه، اعم از فروش در داخله و خارجه، پس از وضع مخارج در اختیار هیئت بگذارند. ثانیاً برای اینکه تا تعیین خریداران سابق مطابق ماده ۷ قانون و احراز هویت آنها، وقفه در صدور مواد نفتی حاصل نشود، موافقت شده است که تا یک ماه از تاریخ آگهی - که از طرف هیئت مدیره موقت صادر می‌شود - طبق برنامه موجود شرکت سابق، نفت در مقابل اخذ رسید به خریداران سابق داده شود، ولی خریداران مکلف خواهند بود در این مدت به هیئت مدیره موقت مراجعه نموده، ترتیب پرداخت قیمت مواد نفتی را - که در مدت مذکور برده اند - به نرخ عادلانه بین المللی بدهند. به این منظور، باید فوراً دفتری برای نظارت صادرات در آینده تشکیل و در هر صورت وجوه حاصله از آن، در اختیار هیئت مدیره موقت گذاشته شود. بدیهی است هیئت مدیره، موافقت دارد از کلیه وجوه حاصله تا ۲۵٪ در یک بانک مرضی الطرفین، برای ادعاهای احتمالی شرکت سابق ودیعه گذاشته شود.

ثالثاً چون هیئت مختلط منتخب از مجلسین باید در امور بهره برداری نظارت نماید، لازم است ترتیبی بدیید که این نظارت خود را عملی کند.

هیئت مدیره موقت امور اجرای قانون ملی شدن صنعت نفت (۳۵)

سند شماره ۳

نخست وزیر، تلگراف به خرمشهر، هیئت مدیره موقت شرکت ملی نفت ایران

شماره ۲۹/۴۰ - ۳۰/۳/۱۰۳۰

تلگراف به استانداران - استانداری

خلاصه تصمیمات دولت و هیئت مختلط در جلسه چهارشنبه ۲۹ خرداد ماه ۱۳۳۰، عیناً تلگراف می‌شود. دستور فرمایید مراتب را به آقایان فرمانداران نیز اطلاع دهند.

چون هیئت نمایندگی شرکت سابق نفت با تقاضاهای هیئت نمایندگی ایران موافقت ننمود و پیشنهادهایی کرد که با قوانین مربوط به ملی شدن صنعت نفت مبادرت داشت، جلسه هیئت دولت از ساعت هشت صبح امروز با حضور آقایان اعضای کمیسیون مختلط تشکیل و تصمیمات ذیل در تکمیل مقررات ششگانه سابق اتخاذ گردید:

- ۱- تصمیمات و دستورات هیئت مدیره یا مدیر عامل شرکت سابق نفت، از این به بعد قابل اجرا نیست؛ مگر اینکه آن تصمیمات و دستورات به امضای هیئت مدیره موقت شرکت ملی نفت ایران نیز رسیده باشد.
- ۲- مأمورینی برای خلع بد در قسمت نفت شاه و تصفیه خانه غرب تعیین شدند.
- ۳- مأمورینی برای قسمتهای مختلف شرکت سابق در مرکز و فروشگاهها انتخاب شدند.
- ۴- دستور داده شد که اداره اطلاعات شرکت سابق نفت، منحل شود.
- ۵- دستور داده شد که در همه جا، نام شرکت سابق به نام شرکت ملی نفت ایران تبدیل گردد.
- ۶- عواید فروش نفت، از این به بعد در همه جا باید فقط به شعبات بانک ملی ایران به حساب شرکت ملی نفت ایران گذاشته شود و در صورت نبودن شعبه بانک، به صندوق دارایی محل تحویل گردد.

از طرف نخست وزیر - دکتر حسین فاطمی (۳۶)

جناب آقای نخست وزیر ادیروز صبح سرکنسول انگلیس در شهر خرمشهر از بنده وقت ملاقات خواست که آقایان دکتر متین دفتری، مکی و اردلان نیز حضور داشته باشند. در فرمانداری حاضر شدیم؛ نامه‌ای از طرف سفیر انگلیس در دست داشت که برای ما خواند. مضمون آن، این بود که: اولاً در جراید دیده شده که نوشته‌اند: مستخدمین انگلیسی باید در خدمت دولت ایران بمانند و ثانیاً نطقهایی که در آبادان می‌شود، تحریک آمیز است. از طرف آقای مکی جواب داده شد که: شما حق ندارید در امور داخلی ما دخالت کنید. اگر شرکت سابق نفت صحبت دارد، باید به وسیله وزیر دارایی در تهران به دولت بگوید و اینجا هم کشور هاشمی اردن نیست. اینجا مملکت مستقل ایران است! بنده، گفتیم نطقهایی که در جواب ابراز احساسات مردم می‌شود، برای تسکین حرارت مردم است که انتظار دارند هر چه زودتر قانون ملی شدن نفت اجرا شود و به هیچ وجه تحریک آمیز نیست و همه سخترانیهای ما چاپ می‌شود. برعکس اگر مردم مأیوس شوند، آن وقت است که ممکن است رشته انتظام گسیخته شود. باز در گفته خود اصرار کرد و تند صحبت می‌کرد. بنده هم ناچار شدم بگویم که اتفاقاً تحریکات از جانب شما است؛ زیرا همان روز و ساعتی که ما پرچم ایران را بر فراز دفتر کار خودمان بالا می‌کشیدیم، کشتی جنگی شما در مقابل ما عبور کرد و این عمل، تحریک آمیز بود و بنده شخصاً چون در کابینه آقای علا بودم، مدارکی هست که شما در اختصایات گذشته تحریک می‌کردید. بنابراین، چرا به ما نسبت می‌دهید؟ ایشان گفتند: من به هر حال پیام سفیر کبیر انگلیس را به آقایان می‌دهم. ما هم گفتیم: ما مسئول نظم محل هستیم و تا حال از اعمال ما، نتیجه بدی که حاصل نشده هیچ، آزمایش را هم حفظ کرده‌ایم و مردم، مطیع ما هستند و ما کاملاً بر اوضاع مسلط می‌باشیم. پس از این، مذاکرات خاتمه یافت.

مدرک مهمی از تحریکات انگلیسیها از ارتباط محرمانه بادو نفر از اعضای ایرانی شرکت سابق به دست آورده‌ام که کاملاً می‌رساند خیال فساد در آینه دارند و این یادداشتها و ملاقاتهایی که سرکنسول از بنده می‌کند، برای این است که پس از اجرای نقشه‌های شوم خود، بگوید شماها تحریکات کردید که این اتفاقات افتاده است. خلاصه برای ما پرورنده می‌سازند. ما هم بایستی با مدارکی که تحصیل می‌کنیم، رل آنها را عقیم نماییم. یک نامه ماشین شده و دو ورق کاغذ کاربن که در اثر فشار حروف ماشین تحریر جملات بخوبی خوانده می‌شود، به دست بنده افتاد؛ بدین ترتیب که عین نامه ماشین شده را از داخله خودشان، آبادی که داشته‌ایم ربوده‌اند و چون نامه دیگری که در تعقیب نامه اولی نوشته شده، کاغذ کاربنی که زیر ماشین تحریر بوده، باقی مانده، ربوده‌اند و چون جملات آن بخوبی خوانده می‌شود، عبارات را نوشته و ترجمه نموده‌اند. عین کاربن نیز زود بنده است. مضمون نامه اولیه، از طرف مدیر کل حمل و نقل شرکت سابق خطاب به گاراز مرکزی و رئیس ماشینهای باری و رئیس ماشینهای سواری و معاون دفتری رئیس کل و رئیس سرویسهای حمل و نقل نوشته شده، این است که: چون وضع معین نیست، از کارمندان انگلیسی حمل و نقل تقاضا می‌شود؛ خود را کاملاً حاضر نگاه دارند. آنها که در خانه تلفن ندارند، باید به جایی که تلفن موجود است در موقع اتفاقات بروند و یاد منزل باشند و اگر به خانه‌ای می‌روند که تلفن موجود نیست، شماره خانه را گزارش بدهند. تلفن شماره ۶۴۸۹، مرکز گزارشات است که بایستی شماره‌های تلفن و مکان رفت و آمد کارمندان انگلیسی به این شماره اطلاع داده شود. مکان خود اینجانب [۱] - چنانچه در تلفن ۶۴۸۹ نیاشم - از تلفن ۲۲۶ ممکن است استفسار نمود. تعویض مکان را به اینجانب گزارش دهید؛ چون ممکن است در صورت وقوع اتفاقات نامعین، راننده انگلیسی لازم باشد. به این جهت نامبرندگان زیر، بایستی هر یک پنج راننده انگلیسی - که خارج از اداره حمل و نقل است - در نظر داشته باشند که در صورت لزوم و اتفاق، کمک لازم بنمایند. این قضیه، کاملاً پیش بینی [شده] است. در نامه دیگری که در تعقیب نامه اولی نوشته شده و از روی کاغذ کاربن خوانده شده و ترجمه گردیده، به امضای ا.ج.پ تورن، می‌نویسد: ما یلم اطمینان حاصل کنم که نقشه‌ای که در نامه مورخ ۵۷/۶/۹ ذکر شده، کاملاً به موقع اجرا گذاشته شود و احتمالاً در نظر داشته باشید که پنج نفر کارمند انگلیسی در موقع لزوم آماده باشند. در حقیقت ما یلم که این عده نفر باشند و در بین این اشخاص، کسانی باشند که چنانچه تلفن از کار افتاد، جهت ارتباط بتوانند موتورسیکلت برانند. معنی است مخاطبین این کارمندان، گذارانه داده و از ایشان امضا گیرند که نکات زیر کاملاً رعایت شود:

۱- محل خود را کاملاً گزارش داده.

۲- پنج الی ده نفر راننده در نظر داشته باشند.

ملاحظه می‌فرمایند که با این مدارک، دیگر شکی باقی نمی‌ماند که نقشه‌ای برای بلوا و اغتشاش دارند. بنده سعی می‌کنم تمام عملیات آنها را تحت نظر دقیق قرار دهم و کلیه عملیاتشان را خنثی کنم. اینکه از سخترانیهای مانگرانند، برای آن است که مشاهده می‌کنند مردم را راهنمایی و هدایت می‌کنیم و نقشه‌های خائنانده آنها به تعویق می‌افتد و اثر عملیاتشان خنثی می‌شود.

۳- به علت مطالب تحریک آمیزی که در روزنامه اخبار روز، چاپ آبادان چاپ می‌شود، روزنامه مزبور توقیف شد. بنده مصلحت می‌دانم بعد از چند روز، بر حسب درخواست خودشان، رفع توقیف کنم. نتیجه به عرض خواهد رسید.

۴- مستر سادرلر، (۳۷) رئیس کلوب انگلیسیها در یک محلی به اسم جیم خانه کلوب، مسخرگیهایی کرده است و تشریفات روز ورود هیئت را به آبادان مورد انتقاد قرار داده و استهزا کرده است. امروز آقای بزرگمهر مترجم مستر دریک می‌گفت که: مستر دریک از این واقعه مستحضر است. منتها تعجب می‌کند با این که مستمعین انگلیسی بوده [اند]. چطور ما مستحضر شده‌ایم و حال آنکه مستمعین ایرانی هم در آنجا



بوده اند. به این جهت شرحی از طرف فرماندار نظامی با ذکر مدارک به شهربانی نوشته شده و مقرر گردید پس از رسیدگیهای دقیق، جواز اقامت او را باطل کنند.

امیر علایی (۳۸)

سند شماره ۵

هیئت مدیره موقت مأمور اجرای قانون ملی شدن صنعت نفت، شماره ۲۴۰، ۳۰/۴/۳۰

آقای دریک! نظر به اینکه طبق تصمیمات اخیر هیئت دولت، کلیه تصمیمات و دستورات هیئت مدیره یا مدیر عامل شرکت سابق نفت، از این به بعد قابل اجرا نیست، مگر اینکه آن تصمیمات و دستورات به امضای هیئت مدیره موقت شرکت ملی نفت ایران نیز رسیده باشد، لازم است هیچگونه چکی بدون اطلاع و موافقت این هیئت صادر نشود. بدین وسیله آقای خردجو، حسابدار متخصص هیئت را به عنوان نمایندگی معرفی می نماید تا دستور دهند، ادارات صادر کننده چک با ذکر توضیح لازم، چکها را به نظر و امضای مشارالیه برسانند و ترتیبی اتخاذ نمایند که در پیشرفت کارها وقفه حاصل نشود.

هیئت مدیره موقت شرکت ملی نفت ایران

[حاشیه: رونوشت، برای استحضار جناب آقای نخست وزیر ارسال می گردد.

هیئت مدیره موقت شرکت ملی نفت ایران - [امضای اعضا] (۳۹)

سند شماره ۶

هیئت مدیره موقت مأمور اجرای قانون ملی شدن صنعت نفت، شماره ۴۱۷، ۳۰/۴/۳۰

جناب آقای نخست وزیر! به طوری که استحضار دارند، کارمندان انگلیسی مقیم آبادان، استعفای دسته جمعی خود را در تاریخ ۱۳۳۰/۴/۱۵ تسلیم این هیئت نموده اند و به آنها پاسخ داده شده که لازم است اقل تا مدت یک ماه به منظور انجام تشریفات و عملیات تحویل و تحول مأمورین ایرانی، در پستهای خود باقی باشند.

اگرچه ممکن است این استعفا و تهدید صورت عمل به خود نگرفته و در نتیجه اقداماتی که در جریان است، کارها صورت دیگری پیدا کند، ولی از آنجا که هرگونه پیش بینیهای احتیاطی باید قبلاً به عمل آید و ممکن است تحویل گرفتن کارها و تعویض کارمندان ضرورت فوری پیدا نماید، یکی از اقداماتی که در وهله اول در نظر گرفته شده است، استفاده از کارمندان ایرانی شرکت - که در خدمت نظام وظیفه هستند - می باشد. بنابر این، پیشنهاد و تقاضای منتهی تصویب فرماید:

اولاً کارمندان ایرانی شرکت ملی نفت ایران که در خدمت نظام وظیفه هستند، آماده باشند که به محض احضار هیئت مدیره وقت و اطلاع وزارت جنگ، به محل خدمت خود اعزام شوند.

ثانیاً مدت زمانی که به طور فوق العاده برای انجام وظایف محوله در مأموریت شرکت ملی نفت ایران خواهند بود، جزو خدمت وظیفه آنها محسوب شود.

تمنای عطف توجه فوری داریم.

هیئت مدیره وقت شرکت ملی نفت ایران - [امضای اعضا] (۴۰)

سند شماره ۷

هیئت مدیره وقت مأمور اجرای قانون ملی شدن صنعت نفت، شماره ۵۴۷، ۳۰/۴/۱۱

آقای میسن! عطف به نامه شماره ۱۷۹۰/جی/ام مورخ ۱۳۳۰/۴/۱۸ که خود را طبق اطلاع رادیو - که اعلامیه جناب آقای وزیر امور خارجه انگلستان را به شرح ذیل نقل کرده بود - به عنوان نماینده شرکت سابق نفت انگلیس و ایران معرفی نموده اید:

نظر به اتهام بی اساس ساپوتاژ که بر علیه او ایراد شده و اتمام حجتی که به او نموده اند، دایر بر اینکه باید خدمات خود را تا ۶ تیر ۲۸ ژوئن به شرکت ملی نفت ایران منتقل نماید، شرکت با موافقت کامل دولت (انگلستان) به ایشان دستور داده است که به بصره عزیمت کند و از آنجا به انجام وظایف خود به عنوان رئیس کل شرکت در ایران و عراق ادامه دهد. آقای میسن، به سمت نماینده شرکت در ایران منصوب گردیدند تا اموری را که مستلزم تماس و ارتباط با هیئت مدیره وقت شرکت ملی نفت ایران باشد، انجام دهند.

اشعار می دارد: نظر به اینکه شرکت سابق نفت انگلیس و ایران، دیگر در ایران وجود قانونی ندارد، این هیئت نمی تواند جنابعالی یا شخص دیگری را با حق دخالت در کارهای شرکت ملی نفت ایران به این عنوان بپذیرد؛ ولی چنانچه مایل باشید با سمت سابق و زیر نظر این هیئت انجام وظیفه نمایید، با کمال میل، حسن استقبال خواهد کرد.

هیئت مدیره وقت شرکت ملی نفت ایران

رونوشت شرح فوق، به انضمام رونوشت نامه آقای میسن، برای استحضار جناب آقای نخست وزیر تقدیم می شود.

هیئت مدیره وقت شرکت ملی نفت ایران - [امضای اعضا] (۴۱)

سند شماره ۸

نخست وزیر، شماره ۱۲۵۹/۴، ۳۰/۴/۱۵

هیئت مدیره وقت شرکت ملی نفت ایران

با مشورت هیئت مختلط، تصمیمات ذیل اتخاذ گردید و برای اجرا ابلاغ می شود:

۱- هیئت مدیره وقت، با تشریک مساعی نمایندگان هیئت مختلط تقویت خواهد شد. آقایانی که برای گزارش و کسب دستور به مرکز آمده اند، قریباً مراجعت خواهند کرد. هرگاه هیئت مدیره برای تقویت خود نظریات خاصی داشته باشد، اطلاع دهید، اقدام می شود.

۲- چنانچه تا به حال اقدام نشده، لازم است هر چه زودتر نمایندگان کمپانیهای خارجی را - که پیشنهاد خرید نمودند - تلگرافاً بنحواهد و با آنها قرار مقتضی برای خرید و فروش مواد نفتی بدهید.

۳- راجع به خرید اشیای لازم از قبیل دارو، پارچه، روغن نباتی، روغن حیوانی و مواد روغنی مورد احتیاج اتومبیل، کامیون و کارخانجات صنعتی، باید هر چه زودتر اقدام نمایید که از این حیث دچار سختی نشویم. قند و شکر و آرد و گندم و چای را وزارت دارایی تهیه کرده، مرتباً به شما خواهد رساند. باقی اشیای مورد احتیاج را، باید خود شما از خارج و داخل تهیه نمایید.

۴- مطالب و اخبار را به وسیله قاصد مخصوص و هواپیمای دولتی - که هر روز بین تهران و خوزستان آمد و رفت می نماید - بفرستید؛ زودتر از تلگراف و وسایل دیگر به مقصد می رسد و جنبه محرمانه ماندن مطالب سری نیز بدین وسیله بیش تر تأمین خواهد شد.

۵- برای حفاظت دستگاههایی که انگلیسیها تخلیه می نمایند و پاک کردن دستگاههای تصفیه - که تعطیل می شود - از گاز و سایر مواد محترقه، اقدامات لازم سریعاً به عمل آورید.

دکتر محمد مصدق [امضا] (۴۲)

سند شماره ۹

هیئت مدیره موقت مأمور اجرای قانون ملی شدن صنعت نفت

شماره ۳۰/۵/۱۲، ۲۹۱۳

جناب آقای نخست وزیر! طبق ماده چهارم قانون اجرای ملی شدن صنعت نفت، مورخ ۹ اردیبهشت ۱۳۳۰، از تاریخ ۲۹ اسفند ماه ۱۳۲۹، کلیه درآمد نفت و محصولات نفتی، حق مسلم ایران است. لذا از طرف نمایندگان مختلط و هیئت مدیره موقت، آقایان خردجو و سمیمی - که از حسابداران قسم خورده و از طرف بانک ملی ایران به اختیار هیئت گذارده شده بودند - مأموریت یافته که محاسبه مواد نفتی که از تاریخ ۲۹ اسفند صادر گردیده، دقیقاً رسیدگی و استخراج نمایند.

اینک طبق گزارش حسابداران فوق، از ۲۹ اسفند ۱۳۲۹ تاکنون مقدار ۷۵۱۰۷۴۷ تن نفت خام و مواد نفتی، از خوزستان به خارج صادر گردیده است و البته باید در نظر داشت که از ۵ تیر، دیگر مواد نفتی صادر نگردیده است. قیمت مواد نفتی فوق، به حد وسط نرخ بین المللی خلیج مکزیک، ۱۵۹۸۴۶/۱۶۵ دلار می باشد. مراتب استحضاراً معروض گردید. صورت ریز آن به پیوست تقدیم می شود.

نمایندگان هیئت مختلط نفت [امضا] هیئت مدیره موقت شرکت ملی نفت ایران

[امضای اعضا] (۴۳)

سند شماره ۱۰

آقایان ناصر فرازمنند، گل سرخی، حسین قشقائی، و ونوش حضرت آیت الله کاشانی - ادام الله بقائه؛ و ونوش جناب آقای دکتر مصدق نخست وزیر؛ و ونوش جناب آقای اللهیار صالح رئیس هیئت مختلط؛ و ونوش جناب آقای حسین مکی؛ و ونوش جناب آقای مهندس بازرگان

نامه مورخه ۲۱ مرداد واصل و موجب کمال تعجب گردید. اینجانب مسئول اظهاراتی که مأمورین یا مخبرین خارجی به اینجانب نسبت بدهند، نیستم. اظهاری که اینجانب کرده ام، این بوده است:

وقتی که هیئت اعزامی وارد آبادان شد، به مدیر عامل شرکت سابق مکرر خاطر نشان کردیم که اگر قانون ملی شدن صنعت نفت را محترم بشمارند و از هیئت مدیره شرکت ملی نفت ایران اطاعت و تمکین بکنند و آن را مافوق خودتان بشناسید، هیئت، از لحاظ مصلحت کار و به نفع مؤسسه، به صرافت طبع دخالت در جزئیات امور فنی نمی کند و نظامات جریان امور فنی را - جز آنچه با قانون ملی شدن مغایرت داشته باشد - کماکان ابقا خواهد کرد و این اظهار، کاملاً مطابق تصمیماتی بوده است که از طرف هیئت مختلط با تصویب دولت در تحت چند ماده اتخاذ شده بوده است و اضافه کردم که چون مدیر عامل و سایر رؤسای انگلیسی تمکین نکردند و فقط به قرارداد ۱۹۳۳ استناد می کردند و به مقاومت خود ادامه دادند، مجبور شدیم مدیر عامل شرکت سابق را مستعفی شناخته و به خدمت او خاتمه دهیم. این اظهار، مکرر در حضور اعضای هیئت اعزامی به مستر دریک گفته شده است و در تهران هم به هیچکس غیر از این چیزی نگفته ام. اما مسئله رسید و تشکیل سوء کمسیون، بنده در سوء کمسیون دخالت نداشتم و ندارم. قرار بود جناب آقای دکتر شایگان، بر حسب تقاضای هیئت انگلیسی، مذاکره با متخصص فنی هیئت انگلیسی بکند که آن هم عملی نشد. برعکس از طرف هیئت اظهار شد که مسئله رسید در ماه اول و رود هیئت اعزامی در آبادان و متعاقب آگهی - که خطاب به مشتریان سابق منتشر شد - مطرح بود و اکنون صدور نفت، جز با تأمین پرداخت بهای آن، راه دیگری ندارد.

دکتر متین دفتری [امضا] (۴۴)

سند شماره ۱۱

شرکت ملی نفت ایران، هیئت مدیره موقت، شماره ۵۱۳۸، ۳۰/۶/۱۸

جناب آقای نخست وزیر!

موضوع: وضع مناطق نفتخیز بعد از تخلیه انگلیسیها

به طوری که استحضار دارند، کلیه کارمندان انگلیسی باقیمانده در مناطق نفتخیز، تا روز دوشنبه ۳۰/۶/۴۴ مناطق نامبرده را ترک نموده،

بستهارا بلاسرپرست و برای اشغال ایرانیها خالی گذاشتند (بدون کوچک ترین مراسم تحویل و تحول).
خوشبختانه از هفته قبل در بازدید و ملاقاتی که آقایان بازرگان، فلاح او ارضیانی در مسجد سلیمان با آقایان نمایندگان هیئت مدیره در مناطق نفتخیز به عمل آورده بودند و مطالعاتی که از اوایل مأموریت در تأمین ضروریات اولیه مناطق شده بود، پیش بینی چنین پیشامد و فکر اشغال بستهارا این هیئت نموده بود.

با مراقبت و جدیتی که از طرف آقایان نمایندگان اعزامی (مهندس همایونفر، مهندس ترابی، دکتر توانا، مهندس اعتصام، مهندس عطائی اوامهندس آق اولی) و غالب کارمندان ایرانی مقیم محل ابراز می شد، خروج انگلیسیها بدون هیچگونه حادثه و تغییری در وضع خواربار و برق و آب و حمل و نقل و دستمزد و غیره، صورت گرفت و پستهای اصلی، به دست کارمندان ایرانی بلافصل سپرده شد.
در بازدیدی که در روزهای ۷ و ۸ شهریور پس از خروج انگلیسیها به وسیله آقایان مکی، اردلان، بازرگان، فلاح، خردجو و مرزا در نواحی مسجد سلیمان، لالی، آغاچاری او اهفتگل به عمل آمد و دو نفر از آقایان مهندسین ارشد ایرانی آبادان را نیز همراه برده بودند، نکته فوق و تسلط نمایندگان هیئت بر امور و آرامش اوضاع و روحیه عالی کارمندان و کارگران تأیید گردید و مخصوصاً مشاهده شد که نه تنها سرویسهای اصلی ضروری جریان صحیح خود را به دست ایرانیها ادامه می دهد، بلکه بعضی از چاهها و حتی دستگاههای تقطیر - که سوخت و مصارف مناطق را تأمین می نماید - بخوبی کار می کند.

[حاشیه:] عیناً برای اطلاع و اقدام مقتضی به اداره کل نفت و وزارت دارایی ارسال می شود. ۳۰ ۴۶/۶۱۹

سند شماره ۱۲

شرکت ملی نفت ایران، هیئت مدیره موقت، ۳۰/۷/۴

جناب آقای دکتر [علی اکبر] سیاسی، رئیس محترم دانشگاه تهران!

موضوع - اشتغال موقت در شرکت ملی نفت ایران

عطف به نامه شماره ۱۵۱۸۹ مورخ ۶/۲۳ - ۳۰ که نظر اینجناب را راجع به مأموریت موقت یک ساله در هیئت مدیره شرکت ملی نفت ایران در زمینه دستوری که جناب آقای نخست وزیر صادر کرده اند، استفسار فرموده اید - اشعار می دارد:

به طوری که استحضار دارید، مأموریت خلع بد در ابتدای امر، یک مأموریت کوتاه تشریفاتی تلقی می شد. ولی جریان امور، رفته رفته دامنه آن را وسیع و روز به روز دقیق تر و طولانی تر نمود. اینجناب در تاریخ ۳۰/۶/۴۱ از جناب آقای نخست وزیر تقاضا نمود که چون باید در اول مهرماه برای انجام وظایف و تعهداتی که در دانشگاه دارم، در دانشکده فنی حاضر شوم، شخص دیگری را منصوب و بنده را از ادامه خدمت معذور فرمایند. نظر به اینکه اوضاع هنوز به صورت قطعی در نیامده و اساسنامه شرکت ملی نفت ایران به تصویب نرسیده است که طبق آن هیئت مدیره دائم انتخاب شود، معظم له از قبول استعفای اینجناب خودداری و به دانشگاه تأکید فرمودند، با یک سال ادامه خدمت اینجناب به طور موقت موافقت نماید.

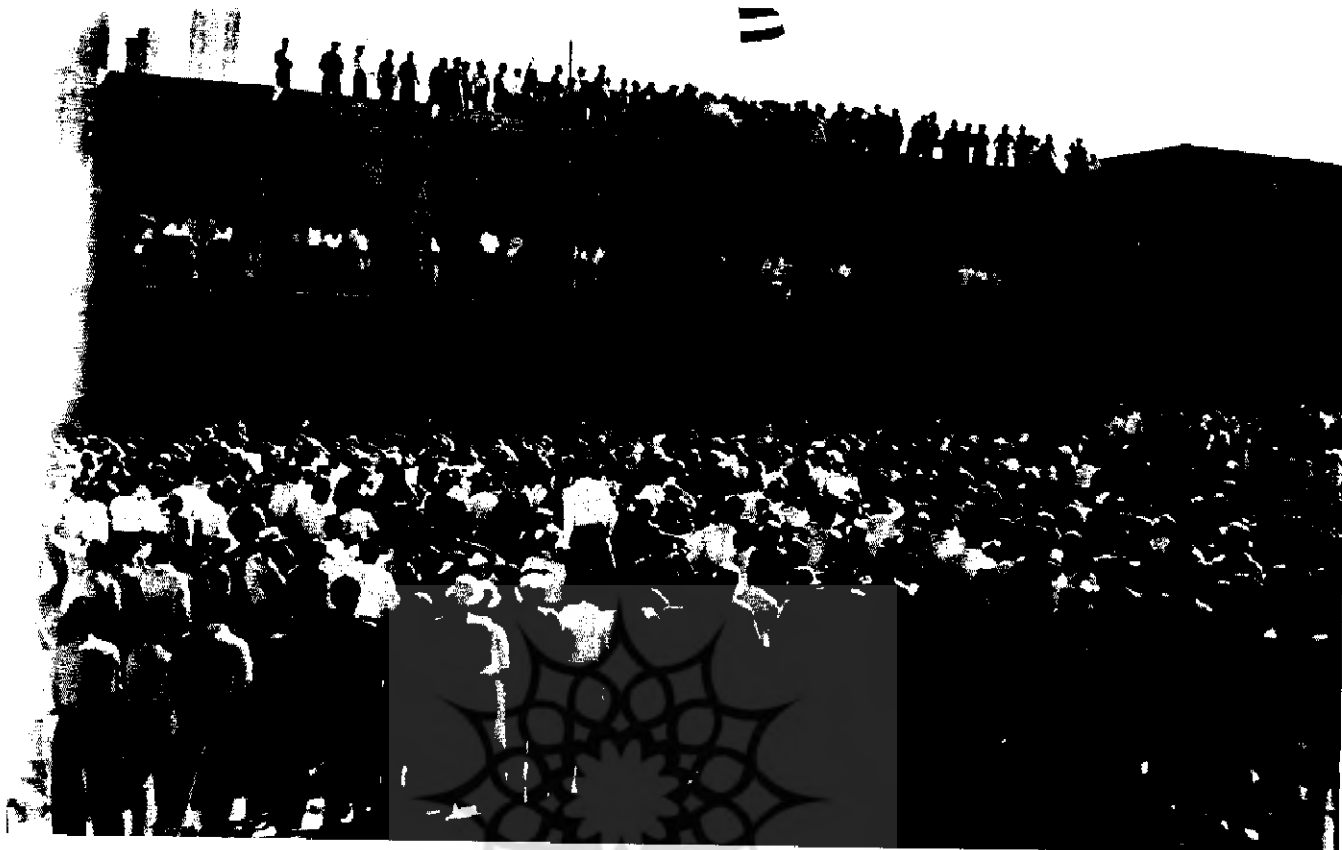
البته اینجناب در عین آنکه از ارجاع چنین وظیفه خطیر ملی مفتخر می باشم، نهایت تأسف از عدم انجام وظایف دانشکده ای خود و محرومیت از حضور در شورای دانشگاه و همکاری با آن جناب و استادان محترم دانشگاه دارم. ولی یقیناً تصدیق می فرمایید که در مقابل پیشامد اوضاع و امیدواری بزرگی که تمام افراد مملکت به توفیق در کار نفت دارند، چاره ای جز این نداشته است و خود آقایان، توصیه ای غیر از این به بنده نمی فرمودند.

خوشبختانه در مدت تابستان آقای دکتر بازرگان، معاون دانشکده فنی، بنا به وعده مساعدتی که در موقع انتخاب به معاونت وزارت فرهنگ به اینجناب داده بودند، با صمیمیت و سعی فراوان، امور اداری و تدارکات تعلیماتی دانشکده را با تشریک مساعی آقای دکتر ریاضی، مدیر دروس و سایر آقایان همکاران تعلیماتی و اداری، به وجه مطلوب پیش برده اند و برنامه های سال تحصیلی حاضر، تهیه و توزیع شده است.

راجع به تکلیف دروسی که به عهد اینجناب محول شده است، راه حلی که به دانشکده پیشنهاد نموده و امیدوارم مورد رضایت و قبول آقای سرهنگ کریم نیکو باشد، این است که مشارالیه طبق تصویب قبلی شورای دانشگاه، به عنوان استاد رسمی به دانشگاه منتقل شوند و یا اقل وزارت جنگ، ایشان را برای مدت یک سال از وظایف ارتشی بکلی معاف و به طور موقت به دانشگاه منتقل نماید تا بتوانند دروس اینجناب را نیز عهده دار شوند.

جناب آقای نخست وزیر، وعده فرموده اند در صورت تقاضای آقای سرهنگ نیکو و تأیید دانشگاه، دستور مقتضی به وزارت جنگ صادر فرمایند. نظر به اینکه آقای سرهنگ نیکو در تهران نبودند تا شخصاً مذاکره و جلب نظر ایشان را بنمایم، موضوع را موکول به تصویب قبلی شورای دانشکده فنی و استفسار خود دانشکده نموده ام.

در خاتمه لازم است اضافه نماید که اینجناب حق ریاست دانشکده را از تاریخ انتصاب به معاونت وزارت فرهنگ دریافت نکردم و در مدت سال تحصیلی نیز اگر حقوق استادی را نپردازند، اعتراض و ایرادی نخواهم داشت.



با تقدیم احترام فائمه - مهدی بازرگان (۴۶)

رونوشت، برای اطلاع دانشکده فنی ارسال می شود.

شماره ۱۳ رساله های و مطالعات فنی

نخست وزیر، شماره ۲۰۵۶/۴، ۳۰/۶/۲۴

هیئت مدیره موقت شرکت ملی نفت ایران، عطف به گزارش ۵۱۳۸ به تاریخ ۳۰/۶/۸۸، راجع به وضع مناطق نفتخیز بعد از تخریب انگلیسیها، از اقداماتی که از طرف آن هیئت برای اداره این مناطق به عمل آمده، رضایت حاصل است. متمنی است در آخر هر هفته، گزارشی از وضع هر یک از آن مناطق تهیه و به اداره کل نفت ارسال دارید که مطالعه نموده و اهم مطالب آن را به استحضار اینجانب برسانند.

نخست وزیر (۴۷)

[حاشیه]: رونوشت، برای اطلاع اداره کل نفت ارسال می شود.

پی نوشت ها:

- ۱- درباره ی چگونگی قانون اجرای ملی شدن صنعت نفت، بنگرید به: محمد علی موحد: خواب آشفته ی نفت، دکتر مصدق و نهضت ملی ایران، نشر کارنامه، تهران ۱۳۷۸ ج اول، ص ۱۵۷.
- ۲- مرکز خدمات اطلاع رسانی نهاد ریاست جمهوری (م.خ)، ۸۴۸۳ گزارش مجلس شورای ملی از تصمیم قانونی دایر بر ابراز رأی اعتماد به دولت جناب آقای دکتر محمد مصدق، به امضای رضا سردار فاخر حکمت، رئیس مجلس شورای ملی، به شماره ی ۱۶- ۳۰۴۲/۲۵۲۹.

- ۳- برای آگاهی از متن قانون مزبور، بنگرید به: سرهنگ غلامرضانجاتی: مصدق، سالهای مبارزه و مقاومت، مؤسسه ی خدمات فرهنگی رسا، تهران ۱۳۷۷ ج اول، ص ۲۶۲.
- ۴- پیشین، ص ۲۶۹.
- ۵- برای آگاهی از محاسبه ی حسابداران مزبور درباره ی مقدار نفتی که از بیست و نهم اسفند ۱۳۲۹ تا مرداد ۱۳۳۰ به خارج از کشور صادر شده بود، بنگرید به: اسناد پیوست، سند شماره ی ۹.
- ۶- شصت سال خدمت و مقاومت (خطرات مهندس مهدی بازرگان در گفتگو با سرهنگ غلامرضانجاتی)، مؤسسه ی خدمات فرهنگی رسا، تهران ۱۳۷۷ ج نخست، صص ۲۷۳ - ۲۷۲.



- ۷- پیشین ، صص ۲۷۶-۲۷۳.
- ۸- بنگرید به: سند شماره ی ۱۲.
- ۹- روزنامه ی اطلاعات، سال ۲۵ هجدهم خرداد ۱۳۳۰، شماره ی ۷۵۳۹.
- ۱۰- م.خ، ۱۰۰۹۸.
- ۱۱- شصت سال خدمت: همان، ص ۳۷۹.
- ۱۲- سازمان اسناد و کتابخانه ی ملی ایران اس.ا. اسناد نفت، ۲۸۵، وآب ۱۸۴ و آب ۲۹۰۰۰۰۰۱۸۴.
- گزارش فرمانده ژاندارمری کل کشور، سر تیپ میرفندرسکی به وزارت کشور در
بیست و سوم خرداد ۱۳۳۰، شماره ی ۱۵۰۵.
- ۱۳- م.خ، ۱۰۰۹۸، این گزارش، پیش از این در کتاب زیر وبانندگی اختلاف با متن حاضر
چاپ شده است؛ دکتر شمس الدین امیر علایی: خلع ید از شرکت نفت انگلیس و
ایران، انتشارات دهخدا، تهران ۱۳۵۷، صص ۶۲-۵۸.
- ۱۴- شصت سال خدمت: همان، ص ۲۸۱.
- ۱۵- پیشین، ص ۲۸۲.
- ۱۶- م.خ، ۸۲۶۵.
- ۱۷- س.ا، ۲۹۰/۱۳۲۸۶، گزارش روزیست و سوم خرداد، از خرمشهر به تهران.
- ۱۸- پیشین، گزارش تلگرافی روزیست و چهارم خرداد، از آبادان به تهران.
- ۱۹- شصت سال خدمت: همان، ص ۲۸۲.
- ۲۰- پیشین، صص ۲۸۵-۲۸۲.
- ۲۱- م.خ، ۱۰۰۹۸.
- ۲۲- م.خ، ۱۰۰۹۸، تلگراف نخست وزیر به خرمشهر، ۳۰/۳/۲۹.
- ۲۳- اصل: به.
- ۲۴- م.خ، ۸۲۶۵، دکتر مصدق در هفتم تیر، به سبب وساطت سفیر امریکا، این لایحه را از
مجلس پس گرفت تا کارمندان انگلیسی، آن را دستاویز خودداری از همکاری قرار
ندهند؛ محمدعلی موحد، پیشین، ص ۱۶۲.
- ۲۵- م.خ، ۱۰۰۹۸.
- ۲۶- شصت سال خدمت: همان، ص ۲۸۵.
- ۲۷- م.خ، ۸۲۶۵، نامه ی شماره ی ۲۲۴ هیئت مدیره ی موقت به دریک در سوم تیر ۱۳۳۰.
- ۲۸- م.خ، ۸۲۶۵، نامه ی شماره ی ۴۱۷ مورخ ۳۰/۳/۲۹.
- ۲۹- شصت سال خدمت: همان، ۲۸۵.
- ۳۰- م.خ، ۸۲۶۵، نامه ی شماره ی ۵۱۳۸ هیئت مدیره به نخست وزیر در ۳۰/۱۶/۲۸.
- ۳۱- درباره ی سر و سامان دادن به کارها و پیگیری راه اندازی پالایشگاه، بنگرید به: شصت
سال خدمت، همان، صص ۲۹۶-۲۸۶.
- ۳۲- م.خ، ۸۲۶۵، همان.
- ۳۳- در این باره، بنگرید به: شصت سال خدمت، همان، صص ۲۹۳-۲۹۲.
- ۳۴- م.خ، ۱۰۰۹۸.
- ۳۵- پیشین، ۸۲۶۵.
- ۳۶- همان، ۱۰۰۹۸.
- ۳۷- اصل: مستر صادر.
- ۳۸- همان، ۸۲۶۵.
- ۳۹- همان، همانجا.
- ۴۰- همان، همانجا.
- ۴۱- همان، ۱۰۰۹۸.
- ۴۲- همان، ۸۲۹۱۷.
- ۴۳- همان، ۸۲۶۵.
- ۴۴- همان، همانجا.
- ۴۵- همان، همانجا.
- ۴۶- همان، همانجا.
- ۴۷- همان، همانجا.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی



مجلس شورای ملی
قانونگذاری

ادلوس هیئت منوط

مورخه ۱۳۳۱/۳/۷

خیابان آبی گت در

در تقسیم نامه شماره ۵ این هیئت در تاریخ ۳۰/۱/۳۱ مواد پنجگانه ضمیمه نامه شماره

۷۵۳ گت درری:

۳۰/۲/۳۶

ازین سه فقره طرح که در باب است هیئت منوط مورد بحث و در وقت برگردان طرح دل
لغا ایضاً نمود:

۱- طرح قطعی مواد پنجگانه مذکور که ماده دیگری هم بعد از آن ماده شش آن علاوه برگردیده

حضرت آیت الله جابلقا بیست و هفت علمای انسانی

۲- طرح چهارماده راجع به کسب هیئت دربره وقت و وظایف آن

۳- طرح اظهارات خیابان آبی دربره دولتی در ادلیس ملاقات بنامیزه برگشت سالی نفقت

رئیس هیئت منوط - اللهی صالح

مهر



مجلس شورای ملی

ضمیمه شماره ۲

اطلاع

طرح چهار ماده راجع به تکیه هیئت مدیره وقت در وظائف آن

۱- هیئت مدیره وقت مرکب از آقایان :

مجرد ابراهیم زطف دولت مجریان حرکت قیامی که طبق مواد شانگانه راجع به اجرای ماده ۲ قانون مصوب نیم اردی بهشت ۱۳۳۰ بنظر هیئت منقسط عمل نمایند .

۲- در حکم ماموریت هیئت نامبرده که با مضایف جناب آقای گتت وزیر صادر می شود تصریح خواهد گردید که در مسات تابع شرکت سابق وقت باید از این تاریخ کتبه دستور العملهای هیئت مدیره وقت را اجراء نمایند . در حکم مزبور همچنین خبر نومیت هیئت نامبرده بدان صله برسد را در اول طبع مقرر خواهد شد .

۳- در موضوع حقوق و عواض مگر که هیئت مدیره وقت نظر خود را با اطلاع دولت مریض نماید دستور مقتضی صادر شود .

۴- هیئت مدیره وقت باید سعی فرمایند که در توزیع دافع خللی وارد نیاید .



تاریخ ۱۳۳۳

هیئت مختلط

(نظارت در اجرای قانون ملی شدن صنعت نفت)

۵۵ / ۸ / ۱

طرح بودجه

- ۱- بر اساس ماده ۲ قانون اجرای ملی شدن صنعت نفت و در دوره موقت شرکت ملی نفت ایران به شرکت زرشک نفوذ نفوذ است. در دوره موقت از طرف دولت انتخاب می‌گردد که با نظارت هیئت مختلط سهام و حقیقت نمایند.
- ۲- هیئت نوبت در اداره هیئت نظارت گذرند برادر در دوره موقت هم در این هیئت
- ۳- مادام که این شرکت ملی نفت ایران به صورت رسیده است ملاک عمل هیئت در دوره موقت تعویذ شرکت سابق لا فو آنچه که با قانون ملی شدن صنعت نفت تعارض داشته باشد.
- ۴- کارکنان و کارمندان و کارگران در این چنانچه شرکت سابق نفت کارکنان نوبت



هیئت مختلط

(نظارت در اجرای قانون ملی شدن صنعت نفت)

۱۲

خود با دارایی تاریخ مستقیم رکت نفت در این شصت نهمین
 ۵- است در وقت باید نهایت وقت و سعی در اکتساب برانده که موجود و ارزش
 معهودت نفتی بعهده نگردد بلکه میزان استخراج و بهره بردار از زمین فسخ بشود
 ۶- بر این اساس نرخ کار و زمین همگن تعیین و قیمت در اراضی نفت و نقد و مضیق در حال
 است در وقت تکلیف است بجز درود بخیرستان بگذرد در این چنانچه مشران به این لغو
 که در ظرف مدت یکماه طبق بر نامه موجود رکت سابق نفت در تمام چند رسیده بگردان سابق
 مورد لغت داده خواهد شد. خود در این در نهایت تکلیف بفرمان است در وقت بر عهد نموده
 ترتیب پرداخت قیمت مورد لغت را که در مدت مذکوره کرده بماند و همچنین بر این اساس حقوق
 مذکوره در ماده ۷ قانون نهم در این است ۱۳۳۰ در ترتیب فوق در وقت نفت در آن وقت
 است در وجه رجب نهانید. است در وقت اصول توافق با فدران را در این

هیئت مختلط شورای عالی نفت



تاریخ ۱۳۰۰

شماره

پرست

نخت وزیر

جلسه فوق العاده دولت ساعت ده بعد از ظهر روز دوشنبه سی و یکم تیرماه / ۱۳۲۰
 در منزل آقای دکتر حدیق تشکیل گردیده اینده آقای صالح گزارش ملاقات نمایندگان
 هیئت مختلط و آقای وزیر دارائی را با مستر هرمان نماینده رئیس جمهوری امریکا
 توضیح داده و گفتند که متن صورت جلسه صبح که بایشان داده شد قبول کردند
 مفاد آن را با اطلاع دولت انگلستان برسانند، در اینک دولت انگلستان قبل از اعزام نمایندگان
 خود قبولی اصل طی شدن صنعت نفت در ایران را رسماً اعلام نماید بنام آقای هرمن
 اضافه کرده اند که: ((من بدولت انگلیس صورت جلسه هیئت دولت را اطلاع میدهم
 و بآنها میگویم که دولت ایران حاضر است راجع بطریقه اجرای قانون تألیف که مربوط
 به منافع انگلیس است وارد مذاکره شود))

جلسه اخیر پیشنهادی آقای هرمن مورد موافقت دولت قرار گرفت و آقای وزیر راه بواسطه
 تلفن این موافقت را با ایشان اعلام نمودند.

Handwritten signatures and notes in Persian script, including names like 'مهندس...', 'دکتر...', and 'معاونت...'. There are also some official stamps and a circular mark on the right side.

تاریخ و شماره نامه ۱۳۴۳

شماره

بیت



دولت شاهنشاهی ایران خوشوقت است که برطبق فرمول مورخه دوشنبه ۳۱ تیر ۱۳۴۰ مطابق ۲۳ روزه ۱۹۵۱ که بجناب آقای هرین داده بود دولت پادشاهی انگلستان از طرف خود و از طرف شرکت سابق نفت اصل ملی شدن صنعت نفت را در ایران بررسی می نماید و انتظار دارد که این شناسایی رسمی بصورت علنی در معرض اطلاع عمومی گذارده شود. و نیز خوشوقت است که دولت انگلستان قصد دارد هیئتی را جهت وکالت از طرف شرکت سابق نفت برای مذاکره با دولت و مقامات صلاحیت دار تهران اعزام دارد و در همین حال هیئت مزبور را جمع به طرفه اجرای قانون تألیف که مربوط به منافع متقابل دو کشور است با دولت ایران وارد مذاکره شود دولت ایران معتقد است که تانسیتی در خوزستان وجود ندارد و همین دارد شناسایی رسمی اصل ملی شدن صنعت نفت محیط مساعدتری بوجود خواهد آورد تا با این صمیمت و حسن نیت مذاکراتی که در فوق بیان اشاره شد در جهان یابد.

Handwritten signatures and stamps, including the name 'دکتر' (Dr.) and other illegible signatures.

Khorramshahr,
25th June, 1951.

No. GM/1784.

To Engineer Bazorgan.
Engineer Bayat.
Dr. Ali Abadi.

Dear Sirs,

We have for acknowledge -
ment your letter No. 133 of the
22nd June 1951, in which you ask
us to arrange for the necessary
measures to be taken to ensure the
availability and delivery of the
necessary oil requirements of the
country.

We would assure you that
the necessary measures are already
being taken in this regard.

Yours faithfully,
For ANGLO-IRANIAN OIL CO. LTD.,

GENERAL MANAGER.

خردادماه ۱۳۳۰ / ۶ / ۵
شماره ۱۷۸۴ / جن ۱۰ ام

آقایان مهندس بازرگان
مهندس بیات
دکتر علی آبادی

محترماً بدینوسیله وصول نامه شماره ۱۳۳
مورخه ۲۱ خرداد ۱۳۳۰ را که طی آن از این
شرکت درخواست گردیده و کلیه تدابیر لازم برای
تامین و تحویل مواد نفتی مورد احتیاج کشور را
شود اعلام میگردد.

بدینوسیله اطمینان میدهم که تدابیر لازم
در این مورد اتخاذ میگردد.

باتقدیر احترامات فائقه

از طرف شرکت سهامی نفت انگلیس و ایران

رئیس کل